

# بازتاب چهار فصل حفاری

## تپه گنج دره

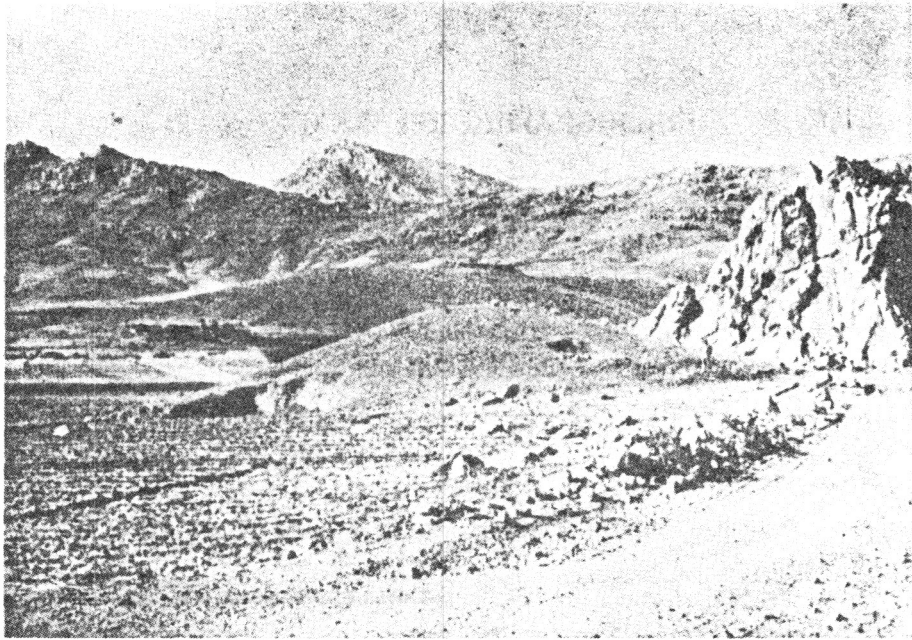
توسط فیلیپ، ای، ال، اسمیت

برگردان : عادل فرهنگی

ما، اکنون چهار فصل حفاری سال‌های ۱۹۶۷، ۱۹۶۹، ۱۹۷۱، ۱۹۷۴ را پشت سر گذاشته‌ایم. گرچه که هنوز مسائل فراوانی در پرده ابهام به سر می‌برند، معیناً فرصت موجود را برای ارزشیابی نتایج بدست آمده می‌توان مغتنم شمرد. تاکنون تنها گزارش‌های مختصری بیان هر فصل که به ناچار مقدماتی می‌باشند منتشر شده‌اند (اسمیت ۱۹۶۷، ۱۹۶۸، ۱۹۷۰، ۱۹۷۱، ۱۹۷۲، ۱۹۷۲b، ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵). در این مقاله من کوشش خواهم نمود بر چهار جنبه جالب توجه تر این محوطه نوسنگی پیشین تاکید بورزم و برخی از نظرات مطرح شده را بر اساس نتایج بدست آمده به بحث گذارم.

نخست توصیف کوتاهی از محوطه و موقعیت جغرافیایی این اثر ارائه می‌گردد. تپه گنج دره در استان کرمانشاه، حدود ۳۷ کیلومتری شرق شهر کرمانشاه و ۱۰ کیلومتری غرب هرسین واقع شده است و بلندی آن از سطح دریا (در میان کوه‌های زاگرس) به ۱۴۰۰ متر می‌رسد. در حال حاضر، این محوطه به صورت تپه‌ای کوچک و همچون مخروط مسطح شده‌ای است که از اطراف کاملاً قابل تشخیص می‌باشد و در میان کشتزارهای دره کوچکی که گنج دره نامیده می‌شود و به فاصله یک کیلومتری نزدیکترین روستا به نام "قیسوند" واقع شده است (تصویر-۱). تپه توسط قله برافراشته با بلندی‌های بیش از ۲۰۰۰ متر از سطح دریا احاطه شده است. شکل قاعده تپه در سطح زمین‌های مجاور آن نزدیک به دایره است و قطر تقریبی آن به ۴۰ متر می‌رسد و محوطه‌ای حدود ۱۳۰۰ متر مربع رازیر پوشش می‌گیرد. بلندترین نقطه تپه از سطح زمین‌های اطراف به شش متر و عمق

آثار مدفون در خاک از سطح زمین‌های پیرامون آن به دو متر بالغ می‌گردد. حجم تپه ۴۰۰۰ متر مکعب برآورد می‌شود، که ما تاکنون یک پنجم تا یک چهارم آنرا حفاری کرده‌ایم. در حین عملیات نقشه برداری از منطقه به سال ۱۹۶۵، که به کشف گنج دره منجر شد، بلافاصله آشکار گردید که این محوطه از چند نقطه نظر جالب توجه است و اطلاعات پر ارزشی را در دل خود مکتوم دارد. به جز برش کوچکی در بخش غربی که در سال‌های اخیر به دلایل نامعلومی توسط افراد بومی ایجاد شده، محوطه تقریباً "بکر بود". سنگ افزار کشف شده در گمانه سال ۱۹۶۵ و گوارش نمونه‌های رادیوکربن همین سال، عمر محوطه را به زمانی حدود ۷۰۰۰ تا ۸۵۰۰ سال پ-م عقب راند. دوره‌ای که در ایران بسیار کم مورد شناسائی قرار گرفته است. وجود استخوان حیوانات و آثار دیوار خشتی دلالت بر شرایط مساعد مانده‌گاری بقایای خوراک و معماری دارند. سرانجام، اندازه نسبتاً "کوچک تپه این تصور را پدید آورد که امکان بدست آوردن نمونه‌های قابل توجهی، بدون صرف وقت و هزینه فوق‌العاده، وجود دارد و در پی آن می‌توان درک مستندی از استخوان‌بندی یک کومه یاروستا، از زمانی که الگوهای تولید خوراک در ایران ظاهراً "در حال شکل‌گیری بوده‌اند، داشت. در اکثر موارد صحت پیش فرض‌های ما به اثبات رسید. گنج دره بر استی محوطه‌ای است غنی و حاوی اطلاعاتی که چگونگی زندگی مردمان را در این دوره تحول اقتصادی و اجتماعی در سطح وسیعی به ما می‌شناساند. با توجه به این نکته که مادر هر فصل با معضلات جدیدی که به حیرت بیشتر ما منجر شده است مواجه گشته‌ایم، هنوز بیدوار پاسخ‌های تمامی پرسش‌هایمان بسر می‌بریم. بخشی از وخامت وضعیت موجود به این دلیل است که ماکشف لایه‌نگاری توالی استقرار را به گونه‌ای غیرمنتظره مشکل یافته‌ایم. علی‌رغم (یا شاید به دلیل) کوچکی تپه، درجات بالای تداوم استقرار و فقدان وقفه‌های قابل تشخیص در ردیف توالی دوره‌های معماری و صنایع دستی، تقسیم‌بندی حیات محوطه را به مراحل و دوره‌های مشخص مشکل می‌سازد. نظر به اینکه، اکثر مواد بازیافته هنوز در جزئیات تجزیه و تحلیل نشده‌اند، من ترجیحاً "از کلیات نتایج بدست آمده و تعبیر و تفاسیر انجام شده تا به اینجا که هنوز مقدماتی هستند سخن خواهم راند. در حالی که بیشترین فعالیت ما در بخش‌های مرکزی و جنوبی محوطه متمرکز گشته است، یک کارگاه حفاری طویل این حفاریات را به "برش غربی" ایجاد شده در غرب



تصویر ۱- تپه گنج دره در زمان کشف آن به سال ۱۹۶۵. برش ایجاد شده توسط اهالی در شیب سمت چپ دیده می شود



تصویر ۲- لایه E " گودهای آتش " حفاری شده در سال ۱۹۷۴، در بخش غربی تپه، حفر شده در دل خاک بکر

دامنه تپه می پیوندد. افزون بر آن، هفت چاه-گمانه در خارج از مرزهای تپه حفر گردید تا ترسیم محدوده اصلی محوطه را پیش از آنکه سایش و کشت اندازه های آنرا کم و بیش نقصان داده باشند، میسر سازد.

خلاصه ای گذرا از توالی لایه نگارانه به شرح زیر است. پنج واحد یا استقرار عمده وجود دارد که ما آنها را A، B، C، D، E نامگذاری کرده ایم که به ترتیب از بالا به پایین خوانده می شوند. برخی از این لایه های اصلی به لایه های فرعی فراوانی تقسیم پذیرند که در اینجا حائز اهمیت نیستند. در پایه محوطه بخش E - گودهای بزرگ گرد یا بیضی به تعداد زیاد در دل خاک بکر حفر شده اند (تصویر ۲). بزرگترین گود دارای ۱/۷ متر قطر و ۵/۵ متر عمق است. بخشی یا تمامی بسیاری از گودها توسط قطعات و قلوه های سنگ آهک پر شده اند و چند تای آنها به دفعات مورد استفاده قرار گرفته اند. کارکرد این فرورفتگی ها مشخص نیست، هر چند که ما اساس فرضیاتی را برای چگونگی بهره برداری از این فرورفتگی ها پی ریخته ایم که تاکنون نوبه تایید رسیده اند و نه مردود شناخته شده اند، لیکن در حال حاضر به دلیل وجود خاکستر یا ذغال و نشانه های سوختگی در اغلب این گودها، آنها را " گودهای آتش " می نامیم. ما

مدارک مطمئنی دال بر وجود معماری استوار در ارتباط با این "گودهای آتش" نیافتیم. حتی هیچگونه نشانه‌ای از معماری ناپایدار همچون آلونک و یا چادر نیز مشاهده نشد. پیرامون این گودها را تنها سنگ افزارها، استخوان حیوانات و برخی اشیاء گلی پخته شده فراگرفته‌اند. روی این "گودهای آتش" را توده انبوهی از خاک تیره به همراه قطعات خاکستر عرسی شکل و پاره‌های کوچک سنگ با ضخامتی بیش از نیم متر پوشانده است. در حال حاضر ما این توده انبوه را به عنوان نماینده اشغال فضای E توسط دوره بعدی می‌انگاریم. بر روی این خاک تیره و بعضاً "حفر شده در درون آن لایه D پدید می‌آید که دارای معماری استواری است و توسط خشت های دراز و اغلب کوژ و اشکال دیگر معماری گلی برپا گردیده است. بنظر می‌رسد این لایه شامل ساختمان چنداشکوبه‌ای بوده است که برخی از دیوارهای آن تا چندین متر برجای مانده‌اند. لایه D دستکم یکبار دچار حریق شده است، بنابراین مانده‌های معماری به شدت پخته‌اند. این آتش سوزی بسیاری از اشیاء گلی را نیز که در شرایط عادی دوام نمی‌یافتند محفوظ نگاه داشته است. (همین توده سخت و آوار سوخته است که به گونه‌ای کاملاً" اتفاقی شیب و شکل مخروطی تیره را به آن بخشیده و بدین ترتیب آنرا از گزند فرسایش حتمی یا تخریب زراعتی مصون نگاه داشته‌است). به نظر می‌رسد لایه C اساساً "تداوم لایه D باشد که توسط معدود ساختمان‌های نزدیک مرکز تپه مشخص و معرفی می‌گردد. لایه B استوارتر از لایه C است. تنها بخش‌هایی از این لایه برجای مانده است که بناهای راست گوشه‌ای را شامل می‌شود و مستقیماً "بر روی ساختمان‌های لایه C قرار گرفته است. در آخر، به نظر می‌رسد لایه A ترکیبی از چند کف تحتانی ساختمانی باشد و شامل کوره‌ای گنبد دار است که چند متر بالاتر به وسیله خشت‌های راست گوشه سرخ رنگی برپا گردیده است. بهر حال این لایه به گونه‌ای مطلوبی برجای مانده است که عمدتاً" به دلیل فرسایش، نفوذ آب، یخ‌بندان، ذوب یخ، رخنه ریشه گیاهان و معدود تدفین‌های متاخر می‌باشد و لذا دانش ما از این لایه محدود است. لایه‌های B، D و E بیشترین اطلاعات را از محوطه در اختیار ما می‌گذارند. آثار بسیار ناچیزی از دوره آهن و دوران اسلامی در رویه تپه مشاهده می‌شود ولی هیچ یک از آنها نشان دهنده استقرار مشخصی پس از دوران نوسنگی نیستند.

پیش از هرگونه کوششی در جهت توضیح جزئیات ویژه‌گی‌های

هر لایه به صورت جداگانه، من ترجیح می‌دهم نتایج بدست آمده از گنج‌دره را ضمن اشاره‌ای گذرا به مسائل گوناگون لاینحل تحت عناوین یا سرفصل‌های محدودی به بحث گذارم. این مباحث عبارتند از:

۱- الگوهای معیشتی

۲- معماری

۳- اشیاء گلی، به خصوص سفالگری

۴- گونه‌های اسکان یا استقرار

نظر به اینکه گاه‌شماری توالی فرهنگی هنوز به صورت معضلی باقی است، نخست می‌بایستی صرفاً "بر آن اشاره داشت.

گمانه اولیه ما در سال ۱۹۶۵ چندین تشخیص رادیوکربن را به همراه داشت که برای بنیان تپه (E) تاریخ ۸۵۰۰ پ-م و متاخرترین لایه نزدیک به ۷۰۰۰ پ-م را پیشنهاد نمود. درکل، تاریخ‌گذاری این محوطه در ارتباط با دیگر محوطه‌های روستاهای اولیه شناخته شده در زاگرس عراق و ایران و آسیای غربی قابل قبول به نظر می‌رسد. این تاریخ‌گذاری بار دیگر به وسیله تشخیص‌های رادیوکربن بدست آمده از فصل ۱۹۶۷ مورد تأیید قرار گرفت. در این هنگام چند نمونه ذغال چوب متعلق به لایه‌های B و D دوره‌ای میان ۷۰۰۰ تا ۷۳۰۰ پ-م را عرضه نمودند. ولی چهار نمونه جدید جمع آوری شده از "گودهای آتش" لایه E در سال ۱۹۷۱ به کمک تشخیص‌های رادیوکربنی میانگینی حدود ۶۵۰۰ پ-م را ارائه نمود که از نقطه نظر لایه‌نگاری متاخرتر از لایه‌های جدیدتر فوقانی بود. بدیهی است که دقیقاً" مانند بسیاری از محوطه‌های نوسنگی دیگر نقاط آسیای غربی، عوامل پیچیده‌ای که هنوز به درستی درک نشده‌اند موجب بروز چنین تناقضاتی می‌شوند. در حال حاضر ما هنوز میل به باور این نکته داریم که اکثر یا تمامی دوره‌های گنج‌دره تا هزاره هشتم پ-م پس می‌رود، ولی برای کسب موقعیت تاریخی قطعی هر لایه و درک استمرار کامل اشغال فضای محوطه می‌بایستی به انتظار نشست تا نتایج رشته‌های طولانی‌تر تشخیص‌های رادیوکربنی، که ما در حال آماده نمودن آنها برای گزارش هستیم، به دست آید. این امر بخصوص در مورد لایه E، که در تاریخ‌گذاری مقدماتی به ۱۵۰ ± ۸۴۵۰ پ-م منتسب شد، و هنوز مورد تأیید قرار نگرفته است، مصداق دارد. تا آنجا که به استقرارهای هم‌زمان دیگر نقاط ایران مربوط می‌شود ما باور داریم که دست کم بخشی از محوطه گنج‌دره هم عصر تپه آسیاب در پهن دشت کرمانشاه و بخش متقدم تر علی‌کش

## معیشت

یکی از اهداف اساسی مطالعات در این محوطه دریافت نوع و میزان تولید خوراک توسط ساکنین آن بود که بعضاً "بدست آمد". اظهار نظر مبتنی بر بررسی‌های مقدماتی انجام شده بر روی استخوان‌های فراوان بز توسط دکتر پرکینز و آقای برایان هسه از دانشگاه کلمبیا، ظاهراً "دلالت بر درجه‌ای از تسلط انسان بر بز داشت و نمایانگر تحول ریخت‌شناسانه و دیگر نشانه‌های اهلی شدن این حیوان توسط بشر بود. از سوی دیگر قلت وجود استخوان گوسفند نشانه اهلی نشدن این حیوان است. (حضور رد پای حیواناتی نظیر بز و گوسفند بر روی تعداد فراوانی از خشت‌های لایه D، که در زیر آفتاب خشک شده‌اند، تاییدی بر مدارک استخوان شناسانه است که برخی حیوانات سم دار کوچک اهلی بوده‌اند و یا دستکم با ساکنین این محوطه هم زیستی نزدیکی داشته‌اند). شکار نیز امری حیاتی بوده است چنانکه نه تنها استخوان‌های گوسفند و بز، بلکه بقایای گاو گله، خوک، آهو (۱)، آهوی سرخ، غزال، خرگوش وحشی (صحرائی)، روباه، خرس، کبک (۲)، اردک، کبوتر و هوبره موید این امر است. بقایای لاک‌پشت، قورباغه و مارمولک نیز جمع‌آوری شده‌اند. ظاهراً "نشانه‌ای از صید در این دوران در دست نیست زیرا حلزون‌های خاکی، نرم‌تنان آب شیرین و خرچنگ مطلقاً حضور ندارند.

متأسفانه دانش ما از خوراک گیاهی مصرفی این دوران چندان کافی نیست. احتمالاً "گونه‌های اولیه گندم وحشی و شاید حتی جو وحشی در این ارتفاعات قادر به رویش بوده‌اند و بهره‌برداری و حتی زراعت آنها توسط ساکنین محوطه میسر بوده است. بهر حال، تنها مقدار ناچیزی بذر کربنیزه شده در گنج دره بازیافته شده است (در مورد بعضی از آنها مشکوک هستیم، زیرا رسوبات آهکی شن دار به شدت مانع از مانده‌گاری آنها شده است)، و همچنین تمامی آنها هنوز مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند. هیچ نشانه آشکاری از این دانه‌ها بر روی سفال‌ها و یا اندودها دیده نشده است. تنها می‌توان گفت، گندم (احتمالاً "نوع سرخ آن - ۴) و شاید جو در میان دانه‌های کربنیزه شده مشاهده می‌شوند، ولی وضعیت دقیق آنها روشن نیست. با این حال، شواهد غیرمستقیمی روند تحول برخی از انواع گیاهان خوراکی را بگونه‌ای قطعی مورد تایید قرار می‌دهد.

تعداد زیادی هاون، دسته‌هاون و سنگ آسیا در تمامی لایه‌ها بجز لایه E به دست آمده است و نیز در لایه D انبارهای بادبیارهای گلی (؟)، خمره‌ها، تفرها و سیلوها وجود دارند. آنچه را که ما امیدواریم در آینده قادر به طرح‌شان باشیم شامل خوراک‌های گیاهی اصلی به همراه میزان توجه ساکنین محوطه به این نوع تغذیه و همچنین ردیابی امکان بروز تغییرات عمده در تغذیه محوطه در طول زمان است. امکان جالب توجهی که ما در جستجوی آن هستیم میوه بلوط است (منبع خوراکی بسیاری مغزی)، که شاید بعضاً "جایگزین غلات در دیگر محوطه‌های آسیای غربی هم‌عصر این محوطه می‌شده است.

## معماری

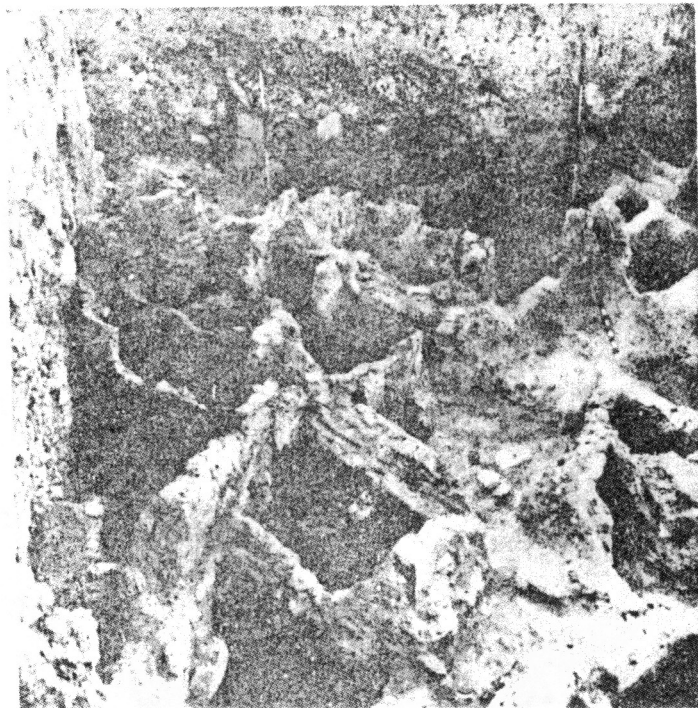
معماری گنج دره بگونه‌ای شگفت‌انگیز متنوع و بدیع است، که می‌توان آنرا در لایه D به بهترین وجه مورد شناسایی قرار داد، زیرا حریق باعث مانده‌گاری جزئیات قابل ملاحظه‌ای از آن شده است، من گزارش خود را در این لایه متمرکز خواهم نمود.

به جز تخته سنگ‌های کوچکی که گه‌گاه در دیوارهای تعداد کمی از ساختمان‌ها جای داده شده و دست کم در ساخت یک کوره یا اجاق از تخته سنگ‌های بزرگتر استفاده شده‌اند، برای هیچ یک از مقاصد ساختمان‌سازی و حتی پی دیوارها نیز از سنگ بهره گرفته نشده است. این امر به واسطه وفور قطعات و تخته سنگ‌های آهکی در پیرامون محوطه کمی شگفت‌آور به نظر می‌رسد. تمامی ساختمان‌ها به وسیله گل و خشت و با استفاده از تیر و تیرچه چوبی (۵) و نی برای تقویت دیوارها، کف‌ها و سقف‌ها برپا گردیده‌اند. متمایزترین خشت‌ها با طول زیاد (برخی نزدیک به یک متر)، با یک رویه مسطح و رویه دیگر محدب، که در برش با انحنائی در انتها شکل مخروطی به خود می‌گیرند، ساخته شده‌اند. مواد چسباننده این خشت‌ها گاه با علف و خرده سنگ است. لایه‌لای این خشت‌های پهن شده را که رویه مسطح آن‌ها رو به بالا است، ملات گل مناسبی (۶) فرا گرفته که با ضخامت بیشتری به صورت اندود سطوح داخلی و خارجی دیوارها را نیز پوشش داده است. در داخل بعضی از دیوارها شمع یا ستون تعبیه شده است و حتی دست کم در یک مورد "هشت‌گیر" خشتی دیده شد. خشت‌های دیگر بلندتر و تقریباً "به شکل سیگار برگ هستند و در ساخت آنها دقت کمتری به کار رفته است. برخی از دیوارهایی که در فصول پیشین

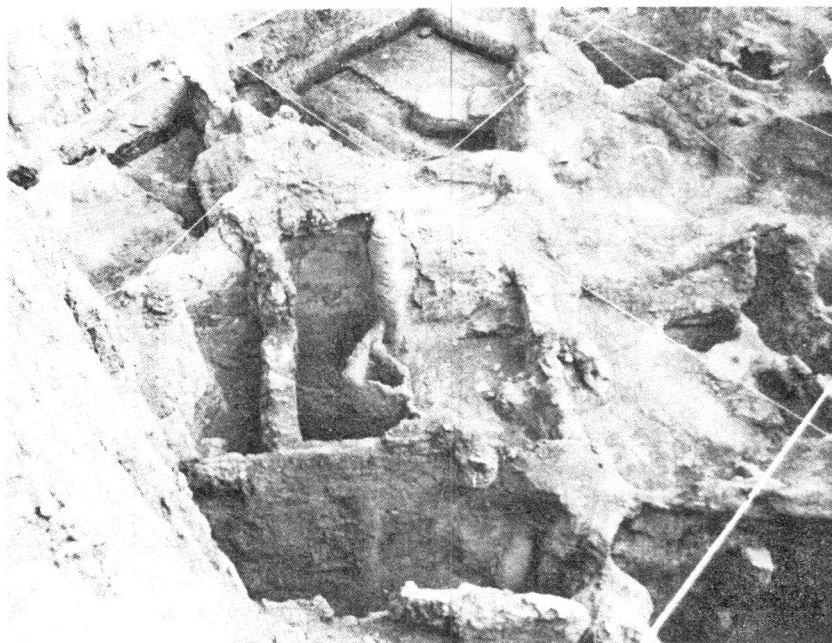
شناسایی شده‌اند، پس از طی سال‌ها که در معرض عوامل مختلفی قرار گرفته‌اند، اکنون به صورت دیوارهای خشتی به نظر می‌آیند. ظاهراً "چنین دیوارهایی تحت تاثیر تغییرات فیزیکی و شیمیایی به همراه قرارگیری در معرض هوای آزاد به مدت زیاد و لوب پدیدگی‌ها امکان آشکار شدن اسکلت اصلی خود را باز می‌یابند. چنین امری بر طبق گزارش‌های دیوارهای چینه‌ای محوطه‌های دیگر داخل و خارج ایران، ممکن است به ثبوت رسد.

حجم کوچک ساختمان‌های باز یافته پس از حفاری لایه D درست به اندازه پیچیدگی این معماری ما را مبهورت کرد. ساختمانها عموماً "راست گوشه‌اند و یاد گوشه‌ها دارای انحنای کمی هستند و در اکثر موارد اندازه هر یک از اضلاع آنها به سختی به یک متر بالغ می‌گردد. سطح دیوارها و کف‌ها نیز توسط اندودگلی همواری پوشش داده شده‌اند (تصویر ۳- و تصاویر ۳-۱ و ۳-۲)\* در دل دیوارهای برخی از این ساختمان‌ها حفره‌هایی گرد یا بیضی تعبیه شده و در همان دوران توسط دريچه‌های کلي دیسک مانند (V) یا مخروطه وار که بر روی آنها دو "جای انگشتی" در نظر گرفته شده است مسدود گردیده‌اند. (تصویر ۴ و

تصویر ۴-۱) \* شواهد بدست آمده از دو فصل حفاری اخیر نشان داده‌اند که بسیاری از این اتاق‌های کوچک در حقیقت تقسیمات یا اتاقک‌های زیرزمینی هستند که با تیرو تیرچه‌های چوبی پوشانده شده‌اند و بر روی آنها بلافاصله ملاتی به هیئت کف پهن گردیده است. به عبارت دیگر، ما با ساختمان‌هایی مواجهیم که در ارتفاع دارای تقسیماتی هستند. در زیر کفی که به منظور زندگی یا کاربرد نظر گرفته شده نوعی زیرزمین به اجرا در آمده و افزون بر آن (احتمالاً) سقفی مسطح از تیرهای چوبی، نی و گل روی این کف را نیز می‌پوشانده است. در حالی که، در این عصر خانه‌های دو اشکوبه ناشناخته نیستند و یا دست کم وجود آنها در برخی از محوطه‌های نوسنگی آسیای غربی (نظیر کایونو در آناتولیا) مورد شک نیست، به گمان من این مورد از دوره نوسنگی ایران برای نخستین بار گزارش شده است. ماهنوز عملکرد این اتاقک‌های زیرزمینی را نمی‌دانیم، ولی شاید بتوان یکی از عملکردهای چنین فضایی را انبار خوراک دانست. درون یکی از این اتاقک‌ها که دقیقاً "در مرکز تپه قرار داشت یک جفت اسکلت گوسفند وحشی جا داده شده و یک جفت شاخ



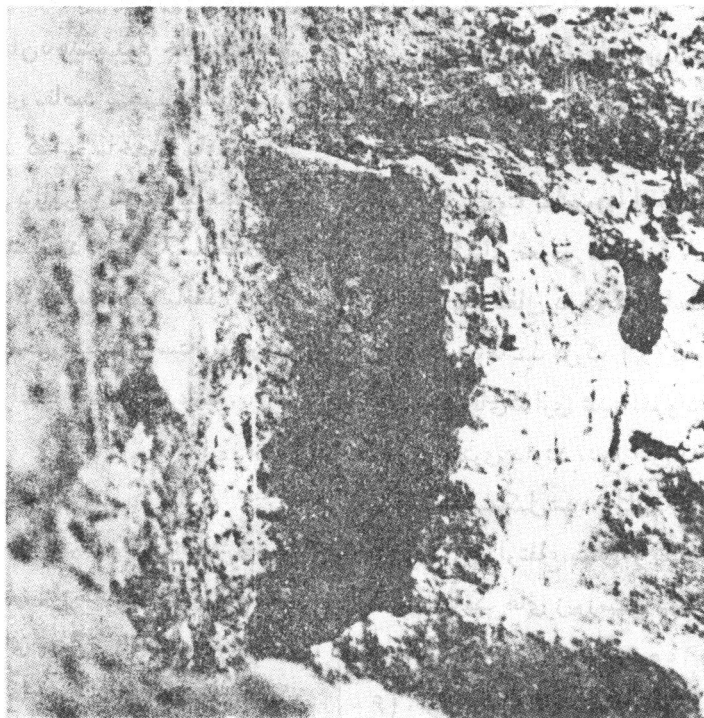
تصویر ۳- و تصاویر ۳-۱ و ۳-۲ اتاقک‌های زیر کفی (زیرزمینی) که باخشت‌های یک رو مسطح و روی دیگر محدب در لایه D شکل گرفته‌اند و در سال ۱۹۷۱ حفاری شد. در برش مقابل توده انبوه سوخته دیده می‌شود



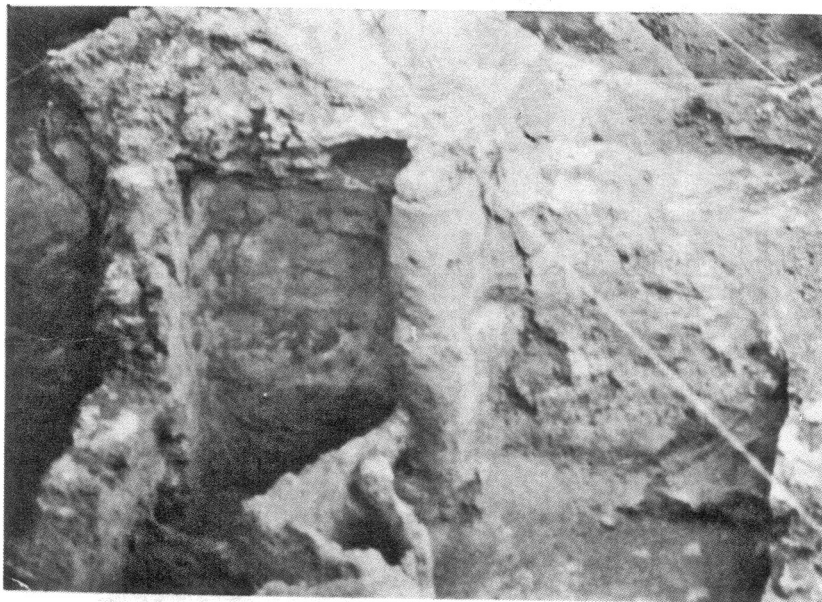
( تصویر ۱-۳ ) گنج دره هرسین - پناهگاههای مجتمع مسکونی دراستقرار اولیه درمقیاس چهل تاپنجاه خانواربه میزان کمی بزرگتر ازابعاد آدمی



( تصویر ۲-۳ ) گنج دره - هرسین ، سال ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴



تصویر ۴- و تصویر ۱-۴ دیوارخشتی بهرامانود در لایه 'D' ، بادودریچه  
مسدود شده توسط صفحات گلی که شامل جای انگشتی می باشند و در حفاری  
سال ۱۹۶۹ بدست آمدند .



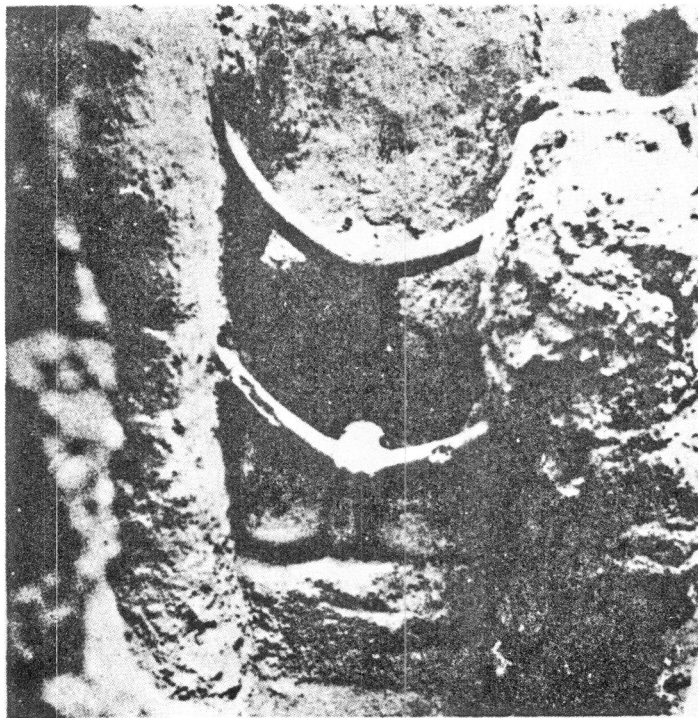
در میان ملات طاقچه‌ای کوچک به دقت تثبیت شده بود (تصویر ۵) روی هم رفته، لایه D نشان دهنده نوع خاص و غامضی از بهره‌گیری از مصالح ساده برای مقاصد پیچیده است. در حال حاضر، چنین به نظر می‌رسد که این ساخت و ساز می‌تواند به عنوان سرآغاز معماری داعمی در ایران در نظر گرفته شود، اگر چه هنوز خاستگاه هایش نامشخصند. خشت و ساخت و ساز گلی در ادامه توالی استقرارهای گنج‌دره تداوم یافته، هر چند که در وضعیت نه چندان مناسبی محفوظ مانده است، و در لایه A خشت‌ها غالباً "کوچکتر و راست گوشه‌تر شده‌اند."

#### سفالگری و دیگر اشیاء گلی پخته شده

اشغال کنندگان محوطه گنج‌دره، بخصوص از لایه D به بعد، در کاربرد گل برای مقاصد دیگر نیز از خود مهارت فوق‌العاده‌ای نشان داده‌اند. اضافه بر شکل‌های معماری (خشت‌ها، اندود طاقک‌ها، تفرها و جداکننده‌ها)، اینان پیکره‌های کوچک انسان و حیوان، مخروط، سطوح گرد و کره نیز تولید می‌نموده‌اند و برای اجتناب از ریزش مواد کوبیده شده از هاون‌های سنگی، لبه‌های گلی پرکاری را به آنها می‌افزوده‌اند و ظرف‌انبارهای

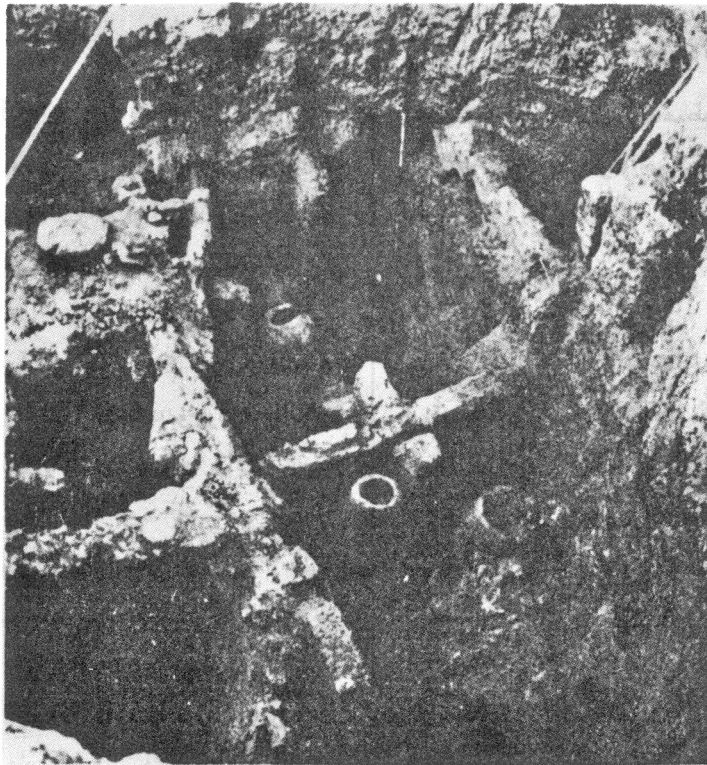
گونگونی می‌ساخته‌اند. آن‌طور که از ابتدا تصور می‌رفت گنج‌دره بدون آن که محوطه‌ای از دوران بدون سفال یا پیش از سفال باشد، اشیاء سفالی ارزنده‌ای را عرضه می‌نماید و شامل سفال‌های ساده‌ای است که آن را به عنوان یکی از قدیمی‌ترین محوطه‌های آسیای غربی و تا به امروز با اطمینان قدیمی‌ترین محوطه شناخته شده در ایران معرفی می‌نماید.

این نوع سفال دردو گونه اساسی قابل تمیز است، نخست ظروف کوزه مانند بزرگ (۸) که عموماً "درون اندود دیوارها و کف‌ها جای‌گذاری شده‌اند و دیگر ظروف کوچکتر که قابلیت حمل بیشتری دارند. نوع اول که از مخلوط گل و قطعات خرده سنگ آهک تشکیل شده و با بدنه‌ای به ضخامت چند سانتی‌متر گاهی دارای ارتفاع بیش از یک متر است. برخی از این‌ها که درون طاقک‌های زیرزمینی پیدا شدند کاملاً "دست نخورده و بعضاً" دارای حجمی بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ لیتر بودند (تصویر ۶). نوع دیگر سفال‌ها بسیار کوچک‌تر و عموماً "شکسته شده‌اند، هر چند که در یک مورد تقریباً "دست نخورده به دست آمد. اشکال این نوع سفال به گونه قابل ملاحظه‌ای متنوعند، از عموماً "کره تا گلدان‌های کوچک و کاسه‌های کم عمق یا بشقاب مشاهده



تصویر ۵- دو اسکت بهمراه شاخ مربوط به گوسفند وحشی که در بدنه‌های یک طاقچه کوچک یک طاقک زیرزمینی از لایه D نصب شده است. حفاری سال

۱۹۷۱



تصویر ۶- سه سفال بزرگ ( ظرف انبار ) درون اطاقک های زیرزمینی لایه حفاری سال ۱۹۶۹

باقی آنها در زیر آفتاب خشک می شده اند . تجزیه و تحلیل های بعدی ممکن است به روشن شدن این نکته کمک نمایند . سفال های کوچک واقع در لایه های متاخرتر گنج دره که تقریباً " به ندرت باز یافته شده اند ، در برخی موارد ممکن است در جوار اطاقک های خانگی مجدداً " مستحکم شده باشند . به هر حال استنباط عاید شده از یافته های گنج دره این است : در حالی که در نوشته ها ، بسیاری از محوطه های غرب آسیا فاقد سفال معرفی شده اند ، در حقیقت این احتمال وجود دارد که دارای سفال باشند . در این صورت ، ساخت سفال می تواند در حد قابل ملاحظه ای پیشتر از آنچه که تاکنون اعتقاد عمومی بر آن بود ، باشد . تنها پاره سفال کشف شده در لایه E به سال ۱۹۷۴ بدون آنکه امکان رسوخ از لایه های بالاتر را یافته باشد - این بحث را قوام می بخشد . حتی اگر خمره های گلی را در نظر نگیریم ، به هر صورت پیکره های گلی پخته شده لایه E نیز اکنون دیگر شناسائی شده اند . بنابراین لایه های مقدم گنج دره ممکن است بازتاب مرحله ای از ساخت سفال یا نزدیک به آغاز آن در این ناحیه باشد ، زمانی که روش های بنیادی ساخت در حال پیشرفت بوده اند ولی هنوز مرحله وفور سفال یا شکل و تولید پیچیده

شده اند . این ها از گل عالی نپخته ای با رنگ های قهوه ای تا سیاه ساخته شده اند . هیچ یک نقش دار نیستند ، ولی در پاره ای از آنها به نشانه گذاری هایی به صورت هلال یا نقطه نقطه برخورد شد و نیز تمامی ظرف های بزرگ و کوچک بدون دسته هستند . در حالی که انواع بزرگ این سفال ها را به نوعی می توان در رابطه با تهیه و انباشت خوراک قرار داد ، عملکرد انواع کوچکتر آنها مشخص نیست ، برخی از این ها حتی شاید به عنوان بازیچه یا نمونه مورد استفاده داشته اند .

اکثر سفال های کوچک و تمامی انواع بزرگتر آنها از لایه D به دست آمده اند . بسیار محتمل است که علت این امر آتش بوده باشد که به سفال های این لایه استحکام بخشیده و آنها را محفوظ نگاه داشته است . با توجه به مدارک ، ما اطمینان داریم ظرف - انبارهای بزرگ اساساً " در زیر آفتاب پخته و سپس درون اطاقک ها جای داده شده اند ، ولی در مورد انواع کوچکتر سفال ها ما هنوز مطمئن نیستیم . دامنه این سفال ها از بسیار سخت تابی نهایت شکننده گسترش می یابد و این امکان وجود دارد که برخی از آنها دست کم از ابتدا در منقل های خانگی و یا حتی کوره های ساده با درجه حرارت پائین پخته شده باشند ، در حالی که

آن فرا نرسیده بوده است .

### گونه های اسکان و تحولات آن

یکی از پرسش های بسیار مهم که در گنج دره می بایستی به آن پاسخ داده شود این است : چه میزانی از اقامت وجود داشته و چگونه این اقامت در طول حیات محوطه تغییر نموده است ؟ ما نمی توانیم فرض کنیم که حتی معماری به ظاهر دائمی لایه D و کمتر از آن " گودهای آتش " لایه E ، بیان کننده اقامت سالیانه باشد . در حال حاضر اطلاعات موجود به ما امکان نمی دهند تا با قطعیت نتیجه گیری کنیم . بهر حال ، یک سلسله فرضیات نظری ما را بر آن می دارد که لایه E را به احتمال نمایاننده یک یا چندین اردوی اقامتی فصلی بدانیم ( شاید توسط شکارچیان و شبانان نیمه چادر نشین ) ، در حالی که لایه D و توالی لایه ها ، اقامت دراز مدت تری را نشان می دهند ، که هنوز نمی توان گفت لزوماً به اقامت سالیانه رسیده باشند . حضور هاون های بزرگ و سنگ های آرد کوبی در لایه های متاخرتر که ظاهراً " در لایه E یافت نمی شوند ، ممکن است قابل توجه باشد ، و آنکه حیوانات این لایه بزرگتر و ( یا ) قدیمی تر از حیوانات لایه های متاخرترند که می توان آن را به عنوان وابستگی بیشتر به شکار در نظر گرفت . وجود خشت آفتاب پخته در لایه D ممکن است معرف زمان استقرار میان بهار تا پاییز باشد . این امکان وجود دارد که ، هیچگاه محوطه در طول تمامی ماه های زمستان مورد استفاده قرار نگرفته باشد ، زمانی که اقامت کنندگان محوطه احتمالاً " به همراه بزهایشان به ارتفاعات پایین تر و نواحی گرمتر نقل مکان نموده اند . ما امیدواریم تجزیه و تحلیل های بیشتر ، بخصوص بر روی بقایای جانداران و مانده های گیاهان بسیار نادر ما را به درک چنین موقعیتی نزدیک تر گرداند . پاسخ هر چه باشد ، پرواضح است که چرخش به سوی معماری استوار در فاصله لایه های E و D یکی از مهمترین یافته ها است هر چند که ما نمی توانیم آن را نشانه پیشرفت صرفاً " طبیعی این محوطه بدانیم ، چرا که این امکان وجود دارد که دیگر محوطه های هم عصر لایه E به مرحله ساخت خشت و ساختمان های کلی وارد شده باشند . نظری ساده ، شاید ما را از لایه D به این سو با اقامتگاه های ثابت فصلی مواجه سازد ، محل سکونت مردمی که به طور همزمان اردوگاه های زنجیره ای بدون معماری استواری را ( در ناحیه کرمانشاه ) ، بمنظور شکار ، گرد هم آیی و دیگر فعالیت های معیشتی برپا می داشته اند . البته این الگوی

فوق العاده ساده شده ای است ، در حالی که واقعیت ممکن است بسیار پیچیده تر از این باشد . برای درک بهتر ، ما نیاز به اطلاعات فراوان تری از محوطه های هم عصر گنج دره در زاگرس جنوبی ، بخصوص در نواحی کردستان ، کرمانشاه و لرستان داریم .

### خلاصه و فرجام

چند جنبه دیگر گنج دره را می توان به گونه ای گذرا ذکر کرد . ابزار سنگی لب پریده ، که عموماً " از سنگ چخماق و نوع دیگری از سنگ چخماق ( ۹ ) محلی ساخته شده اند . از نظر گونه شناسی از بن تا بالای تپه در واقع یک شکل است و به کل سنت دوران سنگی زاگرس متعلق است . تدفین کودکان و بزرگسالان در گنج دره تداوم یافته است . بیش از ۴۰۰ قبر مجزا باز یافته شده و نیز سه قبر جمعی که ظاهراً " اجساد درون ساختمانی از خشت نهاده شده بوده اند . در واقع نشانه های از واردات از نواحی مختلف در دست نیست و عدم حضور مطلق شیشه معدنی ( ۱۰ ) تاییدی بر این باور است که محوطه پیش از آغاز تجارت این ماده ( کمی پس از ۷۰۰۰ پ - م در آناتولی ) متروک مانده است . ولی در سال ۱۹۷۴ درون قبر کودکی که در لایه D کشف شد ، گردن بند پرکاری بدست آمد که شامل پنج صدف شکم پای دریایی به نام " الیوا " بود که ظاهراً " منشاء آن در خلیج فارس یا اقیانوس هند است .

هرگونه اظهار نظر قطعی در مورد محتوای تپه گنج دره در ارتباط با پیشرفت تولید خوراک در نواحی مرتفع زاگرس ایران یا بطور کلی آسیای غربی ، بسیار شتابزده خواهد بود . به هر حال روشن است که اجتماعات پی در پی مقیم در این ناحیه در هزاره هشتم پیش از میلاد در مسیر خود به خوبی در جهت استقرار بیشتر و زندگی پیچیده تر بر پایه اصول جدید معیشت و اسکان بوده اند . اینان پیشگامان و شاید نیاکان اجتماعاتی هستند که بر پایه کشاورزی کاملاً " استقرار یافته ( همچون تپه سراب نزدیک کرمانشاه و تپه گوران در لرستان ) در هزاره هشتم پیش از میلاد در ارتفاعات و حواشی زاگرس تکثیر می یابند .



## پانویس‌ها :

۱- Fallow Deer : آهوی کوچک ( در اروپا مشهور به " داما داما " ) با شاخ‌های پهن و پوشش زرد و روشن که در تابستان با نقطه نقطه‌های سفید مشخص تر می‌گردد .

2. Chukar Partridge

3. Great Bustard

4. Emmer

۵- بنظر میرسد منظور شاخه‌های درختان باشد و یا به احتمال بیشتر شاخ و برگ

۶- خوب ورز داده شده

۷- دیسک هم به صفحه گاملا " مستوی و هم صفحه مقعر اطلاق می‌گردد

۸- خمیره

9. Chert

10. obsidian

\* تصاویر ۱-۳ ، ۲-۳ و ۴-۱ توسط همکار ارجمند جناب آقای مهندس محمد مهریار در اختیار گذاشته شد .

## منابع و مآخذ

۱۹۶۷- غارغار و گنج دره ، مجله ایران ، جلد پنجم ، صفحات ۱۳۸ و ۱۳۹

۱۹۶۸- تپه گنج دره ، مجله ایران ، جلد ششم ، صفحات ۱۵۸ تا ۱۶۰

۱۹۷۰- تپه گنج دره ، مجله ایران ، جلد هشتم ، صفحات ۱۷۴ تا ۱۷۶

۱۹۷۱- مجله ایران ، ۹۰۰۰ تا ۴۰۰ پ - م ' عصر نوسنگی . سفر اکتشافی ، صفحات ۶ تا ۱۳

۱۹۷۲- تپه گنج دره . ایران ، جلد دهم ، صفحات ۱۶۵ تا ۱۶۸

۱۹۷۲- حفاری پیش از تاریخ در تپه گنج دره به سال ۱۹۶۷ . شماره ویژه ، پنجمین کنگره بین المللی باستان شناسی

و هنر ایران ( ۱۹۶۸ ) ، بخش یک ، صفحات ۱۸۳ تا ۱۹۳ ، تهران .

۱۹۷۴- تپه گنج دره ، مجله پاله اریانت ( پاریس ) ، ۲ ، صفحات ۲۰۷ تا ۲۰۹

۱۹۷۵- تپه گنج دره مجله ایران ، جلد سیزدهم ، صفحات ۱۷۸ تا ۱۸۰